

# مطهری چون کوهی استوار

بسمه تعالی

بدون تردید، استاد شهید، «مرتضی مطهری» را میتوان از علما و متفکران بیدار و آگاه تاریخ اسلام و یکی از اعیان کنندگان دین در قرن چهاردهم هجری دانست که تلاشهای عظیم فکری و علمی وی از سالهای بعد از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۸، توانست تا حدود زیادی پاسخگویی مشکلات دینی و علمی جامعه ایرانی که در حال تحول و دگرگونی عمیق بود، باشد.

خوشبختانه قرن چهاردهم هجری، قرنی پربرکت و زاینده و متحول برای امت اسلامی، بویژه برای ملت ایران بود. زایشهای فکری و پیدایش نبردها و پدید آمدن آثار متنوع علمی، فقهی، فلسفی و ظهور چهره های درخشان علمی، سیاسی و فقهی و اوج گیری نهضت ها و انقلابات مرهانی بخش مسلمانان و ضد استعمار در سراسر شرق اسلامی، از ویژگیهای این قرن است و این همه بیانگر این حقیقت است که «اسلام» تجدید حیات کرده و پس از قرنهای طولانی از رکود و انحطاط مسلمین، سر بر آورده و بر سر است که «انسانی نو» و «تمدنی نو» و «دنیائی نو» مبتنی بر ارزشهای والای معنوی و خدائی بسازد. انقلاب اسلامی ایران محصول و دست آورد تلاشهای مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی و علمی این عصر است.

علما، متفکران، فقیهان، نویسندگان و چهره های انقلابی و سیاسی عالم اسلام، هر کدام با توجه به شخصیت فردی و قدرت علمی و فکری و شعاع اندیشه و عمل علمی یا سیاسی شان، ویژگیهای مخصوص بخود دارند که با آن ویژگیها شناخته و معروف هستند. «شهید مطهری» که از چهره های برجسته و ماندنی و مؤثر در تحولات فرهنگی و سیاسی و در تجدید حیات دوباره اسلام است، دارای خصوصیات و ویژگیهای مشخصی است که بیشتر با آن خصوصیات شناخته میشوند. هر چند استاد بعنوان یک مسلمان تربیت یافته در فرهنگ چند بعدی قرآن، دارای خصائل متنوع انسانی و اسلامی بودند، علم و عمل، فرهنگ و آینتولوژی، تدریس علمی و مبارزه سیاسی، عرفان و سیاست، دانشگاه و فیضیه و..... در او یوحدت رسیده بودند اما روشن است که تلاشهای علمی و فرهنگی وی چه در حوزه های قدیم و چه در دانشگاههای جدید، بر ابعاد دیگر شخصیت اجتماعی وی (نه شخصیت فردی) برتری



- شهید مطهری عالمانه و مقاوم در برابر سه جریان استعماری و اغفالگرانه ماتریالیسم مارکسیستی تجددگرائی غربی و ناسیونالیسم و ملی گرایی ایستاد و با آنها مبارزه کرد
- از خصوصیات بارز شهید مطهری، قدرت تطبیق با زمان بود که می توانست روح زمان و تحول و شتاب سریع عصر و دگرگونیهای برق آسای خاص قرن ما را درک کند.

# دربرابر الحاد شرق و غرب ایستاد



آشکار دارد و لذا استاد بیشتر بعنوان یک متفکر صاحب اندیشه و یک گوینده و نویسنده علمی و فلسفی و رویهمرفته یک رجل فرهنگی شناخته میشوند تا یک شخصیت سیاسی و اجتماعی. باتوجه باین حقیقت که امتیازات فراوانی در شهید مطهری وجود داشت که قدرت و توان کار فکری و تلاشهای فرهنگی و ایدئولوژیک گسترده‌ای را بار میداد، اما مهمترین ویژگیهای آن بزرگوار را میتوان در چند امتیاز بزرگ خلاصه کرد:

## ۱- احاطه بر فلسفه شرق و غرب

با وجود اینکه استاد در تمام علوم اسلامی، مانند ادبیات، منطق، اصول و فقه عالم و محیط بود، اما میدانیم که تخصص وی در فلسفه اسلامی بود و لذا مهم ترین اثر وی شرح و تفسیر «اصول فلسفه یا روش رئالیسم» استاد و فیلسوف الهی مرحوم «طباطبائی» است و در دیگر آثار هم عمدتاً مبانی بحث و استدلال، فلسفه و اندیشه های فلسفی الهی است. مانند «عدل الهی»، «انسان کامل»، «انسان در قرن»، «تأشاکه راز» و سری «جهانی بینی» ها و.....

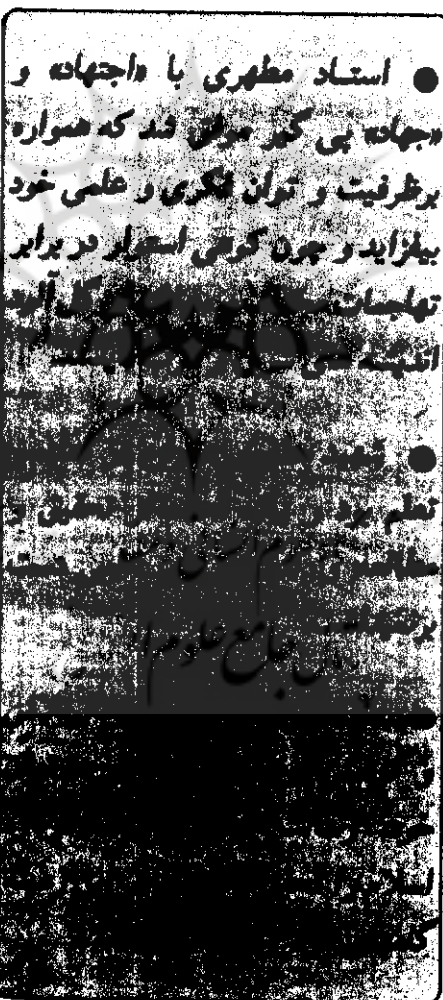
استاد مطهری، در مورد این تخصص خویش، امتیازاتی داشت که او را از بسیاری دیگر از فلسفه خواننده ها و فلسفه دانها ممتاز میکرد:

الف - آشنائی عمیق به فلسفه الهی داشت و بصورت همه جانبه موفقی شده بود فلسفه «ملاصدرا» (صدرالمتألهین) را که بوسیله «حاج ملاهادی سبزواری» به زمان ما رسیده و امروز پرچمدارانی چون «امام خمینی» و «علامه طباطبائی» دارد، بخوبی بفهمد و مبلغ و مفسر خوبی برای این تفکر و مکتب فلسفی که اصولاً حسابش با فلسفه های «یونان» و دوره «اسکولاتیک اروپا» و فلسفه های جدید اروپا جداسه باشد. استاد بعد از امام خمینی و علامه طباطبائی بیش از همه با فلسفه الهی آشناست و حتی بگفته مرحوم علامه: در این اواخر مطهری در زمینه فلسفه اسلامی صاحب نظر بود.

ب - علاوه بر احاطه فلسفه الهی که از زمان «ملاصدرا» شخصیت خاص خود را یافت، استاد مطهری بر فلسفه کهن و قدیمی شرق و مهم تر از آن یر تاریخ فلسفه آشنائی عمیقی داشت.

ج - استاد در تحقیقات و مطالعاتش، به فلسفه شرق

و فلسفه الهی اکتفا نکرد، باتبع و تلاشهای مطالعاتی پی گیر و مدلولم، موفقی شد که با فلسفه غرب و بخصوص با فلسفه جدید مغرب زمین آشنا شود و بر اندیشه های فلسفی جدید اشراف مطلوبی پیدا نماید.



این سه ویژگی فلسفی سبب شد که استاد در چهار چوب یک اندیشه و تفکر نماند و باسه صدر و ظرفیت بالایی اندیشه ها و تفکرات و مکتبهای فلسفی قدیم و جدید، شرقی و غربی، الهی و غیر الهی را باهم مقایسه کند و به تقد دیگر مکتب ها

پیشنهاد و در این تحقیق و نقد و تطبیق ضعف و ناتوانی آنها و قدرت و امتیازات فلسفه الهی را تا حدود زیادی روشن سازد.

مهم تر از همه قوت بخشیدن به «فلسفه عملی» است که استاد توانست عملی سازد، باین معنا که استاد همانند اکثر فلاسفه تاریخ در چهار چوب مسائل و مباحث «فلسفه نظری» و «لاهوت» و «ذهنیات» نماند، بلکه کوشید که مبانی فلسفه را در رابطه با مشکلات مذهبی و اجتماعی و سیاسی جامعه بکار گیرد و لذا در اجتماعی ترین اندیشه های استاد، محورهای اصولی فلسفی و استدلالات فلسفی کاملاً آشکار است. و این امتیاز بزرگی است.

## ۲- قدرت تطبیق با زمان

از خصوصیات بارز شهید مطهری، قدرت تطبیق با زمان بود که میتوانست روح زمان و تحول و شتاب سریع عصر و دیگر گونیهایی برقی اساسی خاص قرن ما را درک کند و تلاشها و موضع گیریهای فکری و عقیدتی و سیاسی و اجتماعی خود را باتوجه به آن تحولات و نیازها انتخاب نماید.

زمان همواره در گذراست و تحولات اجتماعی و فکری و مدنی لحظه ای توقف ندارد، اما در قرن ما عصر ما، آننگ حرکت ها و دیگر گونیهایی اجتماعی و فکری شتاب شگفت انگیزی یافته است که توان دیدن و حرکت کردن با این قافله پرشتاب و درک و فهم تمامی حرکت ها و مهم تر از همه قد اشتباهات و انحرافات و هدایت قافله، ظرفیت و قدرت بسیار بالایی را می طلبد.

بسیارند کسانی از متفکران و مبارزان اجتماعی و قهرمانان تفکر و ایدئولوژی که در یک مقطع تاریخی میدرخشند و بیرونند تاریخ اثر میگذارند، اما قدرت حرکت با قافله زمان را ندارند و عقب می مانند و ممکن است سالها هم عمر کنند و حیات علمی داشته باشند ولی در واقع با گذشت دوره درخشندگی شان مرده اند و بعد از آن هر چه گفته شود تکرار و تشخوار همان گذشته است.

شهید مطهری، اینگونه نبود. اولاً آنجائی که همواره در تعلیم و تعلم بود و لحظه ای از تحقیق و مطالعه و کنکاش های علمی دست برنمیداشت و علاوه بر اینها هم در حوزه های دینی قدیم و هم در دانشگاهها و دانشکده ها حضور فعال داشت لطفاً ورق بزنید

وبالاتر از همه در جریان تحولات پیاپی و اجتماعی و مردمی بود. هیچگاه از قافله پرشتاب زمان عقب نمی ماند و میکوشید که تازه ترین افکار و نوترین حرکت های اجتماعی و فکری را دریابد و پس از آشنائی و تحقیق و نقد کامل آنها، جمله را از جنبه های مثبت آنها بهره مند و از افق و جهات انحرافی و غیراسلامی آن ها بجزد دارد. بالاینکه استاد حدود چهل سال، فعالیت در صحنه تلاشهای فرهنگی و ایندولوژیک بود و این مدت از پرتحرک ترین و پرحادثه ترین ادوار تاریخی قرون اخیر جامعه ماست. و مردم از این باغ بری می رسیده، اما در عین حال، مطهری با «اجتهاد» و «جهاد» پی گیر موفق شد که همواره بر ظرفیت و توان فکری و علمی خود بیفزاید و چون کوهی استوار در برابر تهاجمات مختلف و سیلابهای گل آلود و اندیشه های شرق و غرب بایستد و آگاهانه و عالمانه آنها را نقد نماید و به هدایت و ارشاد نسل جوان که پیش از همه در معرض این خطرات بود، بپردازد. مهم ترین خطرات فکری نیم قرن اخیر کشور ما سه جریان بود:

- ۱- ماتریالیسم که در قالبهای مختلف عرضه مر شد و تحت عناوین پر زرق و برق مانند مارکسیسم سوسیالیسم و فلسفه علمی به مصاف مکتب الهی و اسلامی آمد.
- ۲- تجددگرایی غرب و سلطه استعماری فرهنگ عملا ماتریالیستی اروپا و با اصطلاح «غرب زدگی»
- ۳- ناسیونالیسم و ملی گرایی بعنوان یک حربه برای درهم شکستن «انترناسیونالیسم اسلامی» و جهان وطنی و اتحاد اسلام که «سیدجمال الدین اسدآبادی» پایه گذار آن بود.

و شهید مطهری عالمانه و مقاوم در برابر این سه جریان استعماری و اغفالگرانه ایستاد و بیشترین نیرو و توانش را صرف مبارزه با التقاط و انحراف و ماتریالیسم زدگی نسل روشنفکر گذاشت و سرانجام هم شهید این مبارزه اصیل شد و بدست کسانی بخون نشست که اسلام ظاهرا متعصبانه را با ماتریالیسم درهم آمیخته بودند و نیز با تجددگرایی استعماری که هدفش اسارت و بردگی فکری و اقتصادی ملت های جهان سوم از جمله ایران بود

## شهید مطهری بیشترین نیرویش را صرف مبارزه با التقاط و انحراف و ماتریالیسم زدگی نسل روشنفکر گذاشت و سرانجام هم شهید این مبارزه اصیل شد، و بدست کسانی بخون نشست که اسلام ظاهرا متعصبانه را با ماتریالیسم درهم آمیخته بودند.

مبارزه کرد که کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» بعنوان نمونه بیانگر آنست و همچنین مبارزه با ملی گرایی و ناسیونالیسم منفی، بخشی دیگر از تلاشهای شهید مطهری است که سعی میکرد مرز اسلام و ملیت را روشن سازد و این حربه را از استعمار و رژیم دست نشانده اش (شاه) که مربع فرهنگ ملیت پرستی بود (هرچند ظاهر) بگیرد و لذا کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» را مینویسد.

### ۳- انتخاب واقع بینانه مخاطب

هر متفکر و گوینده و نویسنده ای که میخواهد کار فکری و فرهنگی بکند باید قبل از هر چیز «مخاطب» خود را انتخاب کند و بداند که با چه کسی سخن میگوید؟ آیا با علما و دانشمندان حرف می زند؟ یا عوام سخن میگوید؟ یا کودک صحبت می کند؟ یا نسل جوان و روشنفکرین سخن میگوید؟ یا...؟

استاد مطهری، هر چند با توجه به نیازهای وسیعی که وجود داشت، بمناسبت های گوناگون با مخاطب های مختلف سخن گفته است و گاهی اثری سنگین و علمی مانند تفسیر «اصول فلسفه» را برای متفکران عرضه می کند و گاهی کتاب «داستان راستان» را برای عامه مردم که فقط سواد خواندن را دارند مینویسد. ولی، استاد با توجه به زمان شناسی و درک مقتضیات عصر را که داشت، واقع بینانه، مخاطب اصلی اش را «نسل جوان» انتخاب کرده بود و عمده ترین تلاشهای وی در حوزه، دانشگاه و اجتماع متوجه جوانان و تحصیلکرده ها بود و

میکوشید این قشر عظیم بالنده و پرتحرک را که سازندگان آینده جامعه هستند از انحرافات فکری و ایندولوژیک و اخلاقی نجات بخشد.

استاد بخوبی میدانست که استعمار، مستقیم یا غیرمستقیم، بیشترین تلاشی را روی جوانان متمرکز کرده و سعی دارد که آنان را یا به لجن زار زندگی مصرفی و مادی بکشد و یا به انحرافات عقیدتی و بی دینی سقوط دهد و اگر کسانی هم پیدا شدند که نه در آن دام افتادند و نه در این دام، مذهب خرافی و عامیانه و توجیه گرانه را بخوردشان دهند و لذا استاد در همه جا، با تدریس در دانشگاه و حوزه، با نوشتن، با سخنرانی در اجتماعات و... میکوشید با «دامها» و «دانه» های رنگارنگ استعماری که برای نسل جوان آماده شده بود مبارزه کند، افشاء کند و این طبقه فعال و مساعد را به حقایق آشنا سازد.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ که با سقوط دیکتاتوری بیست ساله «رضاخان»، فضای سیاسی و فرهنگی و فکری جامعه دگرگون شد و افکار و اندیشه ها بمیدان مبارزه و مقابله با هم آمدند هجوم همه جانبه فرهنگ استعماری و بویژه اندیشه های ماتریالیستی و الحادی بر فرهنگ اسلامی آغاز شد و متأسفانه در برابر آن تهاجمات گسترده و وسیع مدافعانی آگاه و زمان شناس و پاسدارانی مطلع و مقاوم از اسلام، بسیار کم داشتیم و آنچه داشتیم متناسب با زمان و زبان نسل جوان و وسعت فعالیت دشمن نبود در آن روزگاران تاریک و ظلمت زده که سالها بطول انجامید تنی چند با سرمایه هائی از اندیشه و دانش و اخلاق و وسعت نظر که داشتند، به پاسداری از فرهنگ اصیل اسلامی برخاستند و با تکیه بر نسل جوان و با استفاده از زبان قابل فهم این نسل، به پاسخگویی و مقابله با هجوم های دشمنان رنگارنگ اقدام کردند یکی از این قهرمانان، بدون تردید، شهید مطهری است که به مصاف مکتبهای الحادی و استعماری آمد و کوشید که احیاء کننده و مجدد فرهنگ دینی و اسلامی باشد و با قدرت تطبیق با زمان که داشت، در طی این چهل سال، متناسب با نیازهای واقعی هر دوره تلاش کرد که در حد توان خود رسالت تجدید حیات دوباره اسلام را تحقق بخشد و بعد از سالهای ۵۰ که ضرورت تدوین ایندولوژی جامع اسلامی مطرح شد، استاد موفق شد در این جهت گامهای مؤثری بردارد و سری «جهان بینی» ها را ارائه کند و دریغ که در اوج شکوفائی و آغاز راهی نو به شهادت رسید درود خدا بر او باد.



## پاره تن امام

پاره تن امام بود آنکه زدست مارت  
 صاحب این مقام بود آنکه زدست ما رفت  
 خوش سخن و کلام بود آنکه زدست ما رفت  
 پس بوجود اطهرش حجت حق تمام باد  
 چشمه نور علم بود آنکه زدست مارت  
 منبع فضل و حلم بود آنکه زدست مارت  
 صاحب خشم و سلم بود آنکه زدست مارت  
 بروح پاکش از خدا تهنیت و سلام باد  
 صاحب دانش و کمال مطهری مطهری  
 مخزن علم لایزان مطهری مطهری  
 امام گونه خوش خصل مطهری مطهری  
 نزول نور حق به او همیشه مستدام باد  
 صبح چه آید آفتاب بوسه زند به خاک او  
 فرشتگان بسوی او نهاده سر نهاده رو  
 شهید راه معرفت بخون سر کند وضو  
 به راه حق و معرفت همیشه در قیام باد  
 اشک خمینی عزیز ز دیده اش روانه شد  
 مطهری شهید شد، شهید جاودانه شد  
 زناکشان بسوی او تیر ستم روانه شد  
 به دفتر شهیدان همیشه زنده نام باد  
 آنکه به محضر امام درس شهادت آموخت  
 آنکه به نور علم خود خرمن دشمنان سوخت  
 حلقه به درب خانه فاطمه و علی گرفت  
 کنار حوض کوثرش شراب حق به جام باد

